



# شهر وند

روزنامه

یکشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۵ | ۲۳ ربيع الثاني ۱۴۳۸  
22 Jan 2017 | سال چهارم | شماره ۱۰۴۵

رسانه فرهنگ خدمت و اولاد ایرانیان

روایت همکاران شهدای آتش نشان از پنجشنبه تلخ

## مردان آتش را قراری نیست

در سومین روز از تازدی پلاسکو، ویرانه‌ها همچنان می‌سوزد

صفحه ۱۵

هلال

با حکم رئیس جمعیت هلال احمر  
**مصطفی محمدیون**  
دبیر کل جمعیت  
هلال احمر شد



صفحه ۶

جامعه

معاون اول رئیس جمهوری  
در نخستین کنگره ملی  
مدیریت امور جوانان:

**جوانی  
جرم نیست**



صفحه ۱۷

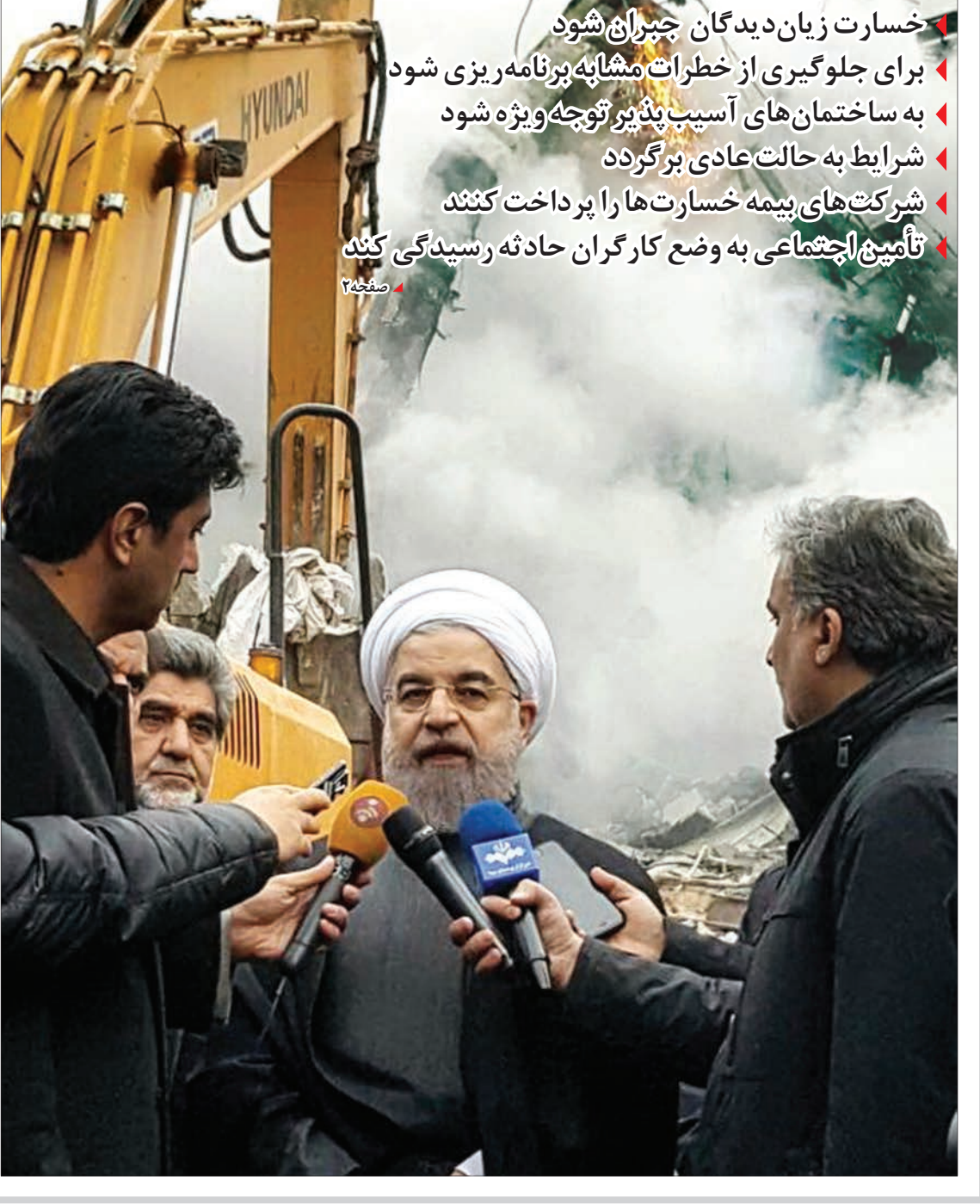
سرمقاله

## در دفاع از مردم

امهدی افروزمنش | روزنامه نگار

وقتی پلاسکو فرو ریخت و عده‌ای از نقاط مختلف شهر خود را به محل حادثه رساندند، با قرار گرفتن در کنار کارکنان تخلیه‌شده ساختمان و جمعیت اطراف پلاسکو جمعیت بزرگی را تشکیل دادند که به گفته منتقدان مانع امداد رسانی بوده است. این موضوع همجمله‌ای از سوی مردم علیه مردم با موضوع بی‌فرهنگی ایرانیان به راه انداخت که رفتار قه‌قارانه‌ها و نظرات مختلف مسئولان نیز به آن دامن زد. اما آیا واقعا ما مردمان بی‌فرهنگ هستیم، آیا آن جمعیت حاضر در اطراف ساختمان در حال سوختن شهروندان بی‌فرهنگی بودند یا آنها جمعیت تشنه و کنجکوی بودند که فرهنگ‌چگونگی مواجه شدن با بحران را آموزش ندیده بودند؟ آیا آنها مردمان بی‌مسئولیت و سبک‌سری بودند که جان دیگران برایشان ارزشی نداشت یا جمعیت تماشایی کنجکوی که در فقدان مدیریت درست نیازهایشان به سر صحنه حادثه حاضر می‌شدند؟ مسئولیت حضور آنها با کیست؟ مسئولیت مدیریت‌شان با کجاست؟ چرا آنها نباید آنها را مقصر بدانیم؟ به نظر که بیشتر از آن توده کنجکوی و شکل‌پذیر که تشنه هیجان و حتی تکرار سرنواخت خود با خانواده‌شان باید مجموعه‌ای از عوامل دارای نقش و مسئولیت دولتی و عمومی و انتظامی امداد رسانی باشند. آیا جمعیت تماشایی بروز عینی نخستین تبعات فاجعه با بحران در سطح بزرگ یعنی کنجکوی بودند. مردمانی که می‌خواستند بدانند چه اتفاقی رخ داده، چرا و چطور رخ داده و چگونه به آن پاسخ داده خواهد شد، عده‌ای نگارن سال و اموال بودند، برخی به خاطر خانواده آمده بودند و البته عده‌ای هم به خاطر آذرنالین، یا هر کدام از اینها نسله‌ها بی‌فرهنگی است؟ قطعا که نیست اما همین رفتار طبیعی وقتی محل نظم و فعالیت امدادگران و غیرایم می‌شود که از کنترل خارج شده و خود به بحران ثانویه بدل می‌شود. چیزی که تئوری پردازان مدیریت بحران آن را «بحران ثانویه» یا «بحران مردم» توصیف کرده و اعتقاد راستینی به «مدیریت» آن دارند. اتفاقی که بحران پلاسکو نشان داد در هر سه سطح پیش از بحران و حین بحران و پس از بحران مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. پیش از بحران به معنای آموزش مردم در شرایط عادی است؛ یعنی در مدارس، مهدهای کودک، دانشگاه‌ها، پادگان‌های نظامی و محل‌ها در حضور سازمان یافته مردمی، حتی در خانه‌های مایه یا فرهنگسراها، از طریق برنامه‌های تلویزیونی یا حتی در رسانه‌ها، به واقع چندصدزار جمعیت میلیونی تهران چنین آموزش‌هایی را در مواجه شدن با بحران به عنوان یک شهروند عادی به خاطر دارد؟ این در حالی است که سال‌ها از توافق جهانی اولین عارضه بحران یعنی «تولید نیاز به دانستن» گذشته است و هر مدیر بحرانی باید بداند که بحران جز خرابی و تلفات، جمعیت کنجکوی و پرسشگری را هم به سوی خود جذب می‌کند که باید کنترل شوند. اتفاقی که روز پنجشنبه هم رخ داد، نیروی انتظامی فاقد انسجام و تسلط کافی برای کنترل سریع میدان عملیات بود، نیروهای آموزش ندیده پلیس هم تماشایه به انداز جمعیت تماشایی بهت‌زده

# دستور روحانی



عکس: President.ir

- خسارت زیان دیدگان جبران شود
- برای جلوگیری از خطرات مشابه برنامه ریزی شود
- به ساختمان‌های آسیب پذیر توجه ویژه شود
- شرایط به حالت عادی برگردد
- شرکت‌های بیمه خسارت‌ها را پرداخت کنند
- تأمین اجتماعی به وضع کارگران حادثه رسیدگی کنند

صفحه ۲

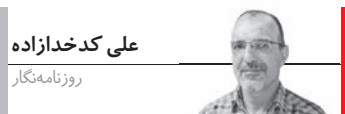
## رهبر معظم انقلاب در گذشت مرحوم آیت الله خسرو شاهی را تسلیت گفتند

شهروند | رهبر معظم انقلاب در پیامی درگذشت عالم پارسا و سالک الهی الله، مرحوم آیت الله حاج سیدابراهیم خسرو شاهی رضوان الله علیه را تسلیت گفتند  
به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری؛ حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب شنبه شنب در پیامی درگذشت عالم پارسا و سالک الهی الله، مرحوم آیت الله حاج سیدابراهیم خسرو شاهی رضوان الله علیه را تسلیت گفتند  
درگذشت عالم پارسا و سالک الهی الله، مرحوم آیت الله آقای حاج سیدابراهیم خسرو شاهی رضوان الله علیه را به شاگردان و ارادتمندان و به ویژه به خاندان و بازماندگان مکرم ایشان تسلیت عرض می‌کنم. این عالم بزرگوار، از

یادداشت

## به حرمت این رنج؛ دنبال مقصر نباشید، تقصیر را در یابید

ساده است اما زندگی به همین سادگی نیست. مثالی دیگر، ما پرآید می‌سازیم و آنها بنیز، ساخت یک اتومبیل مبتنی بر یک فرآیند است که شاید صد مرحله دارد. همه کارهایی که ما طی این فرآیند صد مرحله‌ای انجام می‌دهیم تقریبا به مانند همان فرآیندی است که بنسازان انجام می‌دهند. نمی‌توان یک مرحله مشخص و قطعی پیدا کرد که تفاوت آن منجر به تولید پرآید به جای بنز شود. بلکه واقعیت این است که در تمام مراحل دارای تفاوت‌های جزئی هستیم. مثلا در هر مرحله تفاوت‌های سسه یا پنج یا ده یا بیست درصدی داریم در نتیجه محصول آنها بنز می‌شود و محصول ما پرآید. چنین مسأله‌ای یعنی ساختار معیوب است یعنی تقصیر وجود دارد و این مهم‌تر از مقصر است. در مورد همین سوگ بزرگ اخیر تقصیر یابی شاید این باشد شاخص انتخاب اعضای شورای شهر چه باید باشد، کدام نهادهای عمومی و مردمی لازم است آنها را تعیین و رایه کنند  
چرا مردم شاخص‌های مرتبط با ضرورت شهری را کمتر در انتخاب شورای‌ها مدنظر دارند؟  
شاخص‌های کنترل، مراقبت از اقدامات شهرداری و تعامل با آن تا چه میزان به پاسخ‌های شایسته برای زندگی بهتر شهروندان دچار شده و مکانیزم‌های تحقق آن چیست؟ اولویت‌های شهری را با چه شاخصی باید تعیین کرد؟  
چرا با تغییر شهر دارها و یا تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی اولویت‌های شهری تغییر می‌کند و برای مقابله با آن چه مکانیزمی لازم است؟ چرا هشتاد‌ها کیلومتر امکانات آتش نشانی در جامعه به صدا در نیامد تا این واقعه تلخ رخ دهد؟ چرا بهرغم این که ساخت‌وسازها در شهری ایستاده بر روی زلزله نباید اینگونه باشد و همه نیز تایید می‌کنند،



علی کدخدازاده  
روزنامه نگار

رنج می‌بریم، سوگ بزرگ است، واکنش به چنین رنجی در یک نگاه فروخردمندانه پیدا کردن مقصر است. اما واقعیت این است که حوادث متعدد کشورمان در عرصه‌های مختلف بیش از آنکه ناشی از حضور یک مقصر باشد، به واسطه لانه کردن انبوه تقصیرهاست. شاید این بار بتوان به حرمت این رنج بزرگ به دنبال مقصّر بودن نه مقصر.  
در دوران کهن، آدمیان بیگانه با اندیشه و طرح پرسش، برای جبران گناهان و خطایان، یکی از میان خویش را انتخاب و در پیشگاه بت، قربانی می‌کردند. اینگونه گمان می‌پرند، پاک شده‌اند، آرام می‌گرفتند و باز روز از نو و قربانی دیگری در فرار روز.  
این سلوک دیرینه، مدت زمانی است که در کشور ما به یک مطلوب تبدیل شده است. راهی از بلای رکود و بی‌رونق بازار را در نفرین و قربانی کردن فلان سرمایه‌دار کلاهبردار می‌دانیم، راهی از ناچاری ناداری را در زیر کشیدن فلان وزیر و مسئول می‌دانیم و بسیاری از ناتوانی‌ها و کم‌خردی‌های خویش را به حساب خصم‌های وری مرزها می‌نویسم و حتی کم‌آبی و بی‌بارانی را معطوف به یک نوع رفتار قلمداد می‌کنیم. فرار از دست هیولای اعتبار را اعدام قاچاق می‌پنداریم. تا در بر این پاشنه می‌گردند رنج‌ها مدام رنجورمان می‌کنند و قربانیان کمکی به توقف آن نخواهند کرد.  
مثالی برنم؛ وقتی برق منزل قطع می‌شود معمولا یا سیم در جایی قطع شده یا لامپ سوخته یا پریز مشکل دارد و یا فیوز پریده است. پیدا کردن دلیل در این موارد

**برادر عزیز اسمعیل خلیلی**  
درگذشت پدر بزرگوارتان را به شما و خانواده محترم تسلیت می‌گوییم. از خداوند منان برای شما و خانواده صبر و برای آن مرحوم رحمت الهی را خواهیم نمود.  
عباس عبیدی، محمدعلی خبری، شاهرخ تندرزاد صالح سعید خراطاها، احسان هوشمند، حسین نوری نیا

**شهروند**  
روزنامه  
پدربزرگ کمی می  
۴۴۹۵۶۲۰۰ - ۲  
shahrvand.agahiha@gmail.com

جامعه

وزیر ارشاد در سالگرد  
تأسیس روزنامه ایران:  
**دولت، رسانه  
دستوری نمی‌خواهد**



صفحه ۱۷

گزارش

خشکسالی کشاورزان فارس را  
به حاشیه شهرها کوچاند  
**آوارگان آب**

صفحه ۷

اقتصاد

تکلیف مالکان سرقفلی  
ساختمان ۵۴ ساله  
و مالک اصلی چه می‌شود؟  
**پلاسکو  
پس از این!**

رئیس بنیاد مستضعفان: مالک اصلی  
هستیم، پلاسکو را دو ساله بازسازی  
می‌کنیم  
کسیه: ما تنها صاحب سرقفلی بودیم  
و مستاجر بنیاد  
بهمن کشاورز: رئیس کانون وکلادر  
گفت و گو با «شهر وند»: حقوق مستاجر  
پلاسکو از بین نمی‌رود  
نعمت احمدی حقوقدان مالی  
در گفت و گو با «شهر وند»:  
قانون صریحی درباره  
حقوق مستاجر پلاسکو وجود ندارد  
و هیچ‌کس نمی‌تواند مالک را مجبور  
به بازسازی کند

صفحه ۴

شهر ونگ

**شهر ونگ**  
زنده هستند؟ تکذیب می‌شود  
پیدا شد؟ تکذیب می‌شود  
نجات یافت؟ تکذیب می‌شود  
کمبود امکانات؟ تکذیب می‌شود  
آتش؟ تکذیب می‌شود  
زنده یاب؟ تکذیب می‌شود  
جسد؟ تکذیب می‌شود  
امید؟ تکذیب می‌شود  
اطلاع رسانی؟ تکذیب می‌شود!

صفحه ۱۹

جهان

در روز نخست سکونت در کاخ  
سفید رخ داد  
**حمله ترامپ  
به میراث اواما**

صفحه ۳

ورزش

زنگ خطر برای ورزشگاه‌های  
فرسوده به صدا درآمد  
**«پلاسکو»های  
ورزشی**



صفحه ۱۳